



مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری و صفوی**

معصومه شیخ برادران^۱ ID، محمد شاه بدیع‌زاده^۲ ID، رضا اشرف‌زاده^۳ ID

^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. zahramosavikahani@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. badizadeh@gmail.com

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. drreza.ashrafzadeh@gmail.com

چکیده

ادبیات هر سرزمینی تجلی باورها، ارزش‌ها و فرهنگ آن سرزمین است. مهم‌ترین و کامل‌ترین بازتاب فرهنگ کهن ایران را در شاهنامه فردوسی می‌توانیم ببینیم. شاهنامه یکی از بزرگ‌ترین آثار حماسی جهان و دربردارنده بخش بزرگی از فرهنگ ارزشمند ایرانی است. نگارنده با روش واکاوی اسناد و تحلیل محتوا دریافته است که فردوسی خردمند، اندیشمندانه کوشیده است که در ضمن بیان حماسی داستان‌های کهن از مفاهیم و مضامینی استفاده نماید که خواننده شاهنامه با تحلیل و در کنار هم قرار دادن آن مفاهیم، خود به کشف حاکمیت نگاه صلح‌اندیشانه موجود در فرهنگ اصیل ایرانی دست پیدا کند. هدف این پژوهش، بیان مضامینی است که با حضورشان در شاهنامه به بالا رفتن بسامدی نگاه صلح‌اندیشی در این کتاب سترگ، کمک می‌کند. این کتاب برخلاف دیگر آثار حماسی جهان که جنگ‌محور است، دارای نگاه صلح‌گرایانه و دفاع‌محور می‌باشد. همچنین این کتاب می‌تواند به‌عنوان آیینی‌ای از اقتدار، عزت و آزادی فرهنگ صلح‌اندیش ایرانیان را به دیگر ملت‌های جهان نشان دهد؛ از دیگر سو، با حجم بالای مفاهیم صلح‌مدارانه در شاهنامه به گسترش خوانش و درک بیشتر و بهتر فرهنگ ملی، به افتخارات و باورهای هویتی ایرانیان کمک کند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اهمیت کاربرست بیان مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه.
۲. بررسی مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه دوره مصور تیموری و صفوی.

سؤالات پژوهش:

۱. اهمیت کاربرست بیان مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه چیست؟
۲. مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه دوره مصور تیموری و صفوی چگونه منعکس شده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۴۴۴ الی ۴۶۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

شاهنامه،
فردوسی،
مضامین صلح‌اندیشی.

ارجاع به این مقاله

شیخ برادران، معصومه، شاه بدیع‌زاده، محمد، & اشرف‌زاده، رضا. (۱۴۰۲). مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری و صفوی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۴۴۴-۴۶۰.

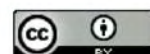


[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.342756.1920)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.342756.1920

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری "معصومه شیخ برادران" با عنوان "گزینش خردمندانه مضامین صلح‌اندیشی، در شاهنامه فردوسی" است که به راهنمایی دکتر "محمد شاه بدیع‌زاده" و مشاوره دکتر "رضا اشرف‌زاده" در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "مشهد" ارائه شده است.



مقدمه

صلح در لغت به معنای آشتی و سازش (لغت‌نامه دهخدا) مصالحه و پیمانی که برحسب آن دعوایی را حل و فصل کنند (آژنگ، ۱۳۸۱: ۹۴) و دست‌کشیدن از جنگ با عقد قرارداد می‌باشد (عمید، ۱۳۸۸: ۸۸۷). در اصطلاح نیز پیمانی است که برای رفع نزاع و قطع خصومت و صلح بین مردم منعقد می‌شود (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲). در واقع، رستم پهلوان و جنگاور بی‌همتاست که عمر طولانی خویش را در پیکارها صرف کرده است. ولی جنگ‌های او اکثراً عادلانه است، برای حفظ وطن و مردم بی‌گناه است. او بارها می‌خواهد که از جنگ و خون‌ریزی‌ها دست‌کشد، راه صلح و آسایش را پیش‌گیرد، ولی سرنوشت او را باز به‌سوی جنگ‌ها روانه می‌سازد.

شاهنامه فردوسی متنی حماسی است و در حماسه نیز اصلی‌ترین کردار، جنگ و وصف آن است. اما شاهنامه فردوسی فقط داستان جنگ‌ها و پیروزی‌ها نیست بلکه سرگذشته ملتی است در طول قرون و نمودار فرهنگ و اندیشه و آرمان‌های آن‌ها است. برتر از همه، کتابی است درخور حیثیت انسان یعنی مردمی را نشان می‌دهد که در راه آزادی شرافت و فضیلت تلاش و مبارزه کرده مردانگی‌ها کرده‌اند؛ اگر کامیاب شده یا شکست خورده‌اند، حتی با مرگشان آرزوی دادگری و مروت و آزادمنشی را نیرو بخشیده‌اند (یوسفی، ۱۳۷۱: ۴۴). صلح و صلح‌باوری از جمله مفاهیم کهنی هستند که همواره مورد توجه ایرانیان بوده است. اگر به تاریخ ایران باستان نگاهی داشته باشیم متوجه این مهم می‌شویم که در کشور ایران همواره آزادی و صلح‌باوری حاکم بوده است. در داستان فتح بابل به‌دست کوروش هنگامی که وی به معابد بابل دست پیدا کرد، برخلاف رسم سایر شهریاران که مراکز مذهبی را ویران می‌ساختند، احترام بسیاری برای معبد مردوک قائل شد (افراسیابی، ۱۳۸۷: ۶۸). فردوسی به‌درستی از این موضوع آگاه است که «همه ز آشتی، کام مردم رواست». از نظر فردوسی، جنگی که علیه بیداد باشد، حق است و گرنه او از جنگ ناحق که حاصلی جز ویرانی و کشتار ندارد، بیزار است. از این‌رو، رزمنده‌ترین شخصیت شاهنامه، رستم که در جنگ‌های بسیاری شرکت کرده است، صلح‌جو و طرفدار صلح و آشتی است (چرخچی، ۱۳۸۳: ۷۳۸).

از میان آثاری که در آن‌ها به موضوع صلح و جنگ در شاهنامه اشاره شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «جنگ و صلح در شاهنامه فردوسی»، نوشته میرزا ملااحمد (۱۳۸۶) نویسنده و پژوهشگر تاجیک که پرداخت‌های مفید و مبسوطی به زوایای جنگ و صلح در شاهنامه داشته است؛ در واقع، از جمله محدود کارهای که در این زمینه انجام پذیرفته و به زوایای قابل‌تأملی از صلح و جنگ پرداخته است. بیگدلی (۱۳۸۶) در اثر خویش به‌نام «ایران‌شناسی، صلح، مدارا و همزیستی در اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی» به برخی از مضامین صلح‌گرایی در شاهنامه اشاراتی موجز داشته است. حمیدی (۱۳۷۳) در «تأملی بر خان چهارم، به سیمای صلح‌گرا و آرمانی رستم نظر داشته است. به نظر می‌رسد، محدود کارهایی که در مورد مفاهیم صلح در شاهنامه انجام شده است، بیشتر صلح موجود در این کتاب سترگ را به‌عنوان بخشی از واقعیت موجود در داستان‌هایی قلمداد شده‌اند که فردوسی به‌عنوان راوی فقط نقش راوی آنان را ایفا می‌کند و در این میان، صلح هم بخشی مجزا در کنار جنگ‌های نقل‌شده، مطرح می‌شود. نگارنده بر این باور است

که برخلاف نگاه موجود فوق، روح حاکم بر شاهنامه، بیان دیدگاه صلح‌اندیشی خود فردوسی است. اگر از قالب داستانی و بُعد روایی مطالب منقول کهن و ملی ایران، استفاده کرده و حتی جنگ‌های این قوم را به تصویر کشانیده، هدفش بیان نگاه صلح‌باوری و صلح‌اندیشی سراینده در جای‌جای کتاب است که با برنامه و هدفمند، به بیان دیدگاه صلح‌باور ایرانیان می‌پردازد و خردمندان از مضامین و مفاهیمی که آن‌ها نیز می‌توانند به‌طور غیرمستقیم به تولید نگاه صلح‌اندیشی فردوسی، بینجامد، هوشمندان بهره می‌گیرند.

۱. شاهنامه‌های مصور دوره تیموری و صفوی

در حکومت‌های مختلف و در دوره زمامداری حاکمان متفاوت در ایران، پذیرش متن سیاسی و شاهانه، شاهنامه و افزودن معانی تازه از طریق تصاویر نوعی مشروعیت سیاسی - فرهنگی برای سفارش‌دهنده‌های شاهنامه‌های مصور همراه داشت. در دوره تیموری و حکومت شاهرخ سه فرزند او که در پایتخت یا در نواحی دیگر به‌عنوان حاکمان محلی کتابخانه‌های فعال برای مصورسازی کتاب داشتند، سفارش شاهنامه موردتوجه ویژه بود. ابراهیم‌سلطان در شیراز، بایسنقر و محمد جوکی در هرات هرکدام در کتابخانه‌های خود نسخه خطی شاهنامه با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی سفارش دادند. این شاهنامه‌ها از وجوه مختلف قابل بحث‌اند. شاهنامه‌های برادران تیموری با داستان‌هایی که برای مصورشده‌ن انتخاب کرده‌اند، به شکلی بیانیه سیاسی سفارش‌دهندگان و نشان‌دهنده ذهنیت آن‌ها نسبت به مسئله جانشینی و در نهایت پادشاهی هستند (احمدی توانا، الماسی، ۱۴۰۱: ۴۷). با این تفاسیر، می‌توان گفت شاهنامه‌های مصور دوره تیموری پیام‌آور اصول اخلاقی و سیاسی متعددی است.

شاهنامه بایسنقری یکی از ارزنده‌ترین نسخ مصور دوره تیموری، در سال ۸۳۳ق با پشتیبانی شاهزاده تیموری، بایسنقرمیرزا ساخته شده است و ۲۲ نگاره دارد. این اثر ممتاز و برجسته مکتب نگارگری هرات تیموری در عصر شاهرخ تیموری است که به سفارش بایسنقرمیرزا، فرزند هنردوست شاهرخ و با دعوت از هنرمندان بزرگ آن روزگار خلق گردید. این اثر از دو جنبه متن و نگاره حائز اهمیت است؛ چراکه متن آن توسط گروهی از شاهنامه‌ناسان بزرگ فراهم آمده و نگاره‌های آن توسط نام‌آوران مکتب نگارگری هرات به تصویر کشیده شده است (رجبی نیازآبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵).

در دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ه.ق) تداوم مصورسازی شاهنامه در قالب شاهنامه شاه‌طهماسبی، شاهنامه شاه‌اسماعیل دوم و شاهنامه شاملو ادامه یافت. یکی از عالی‌ترین نسخ خطی ایران شاهنامه طهماسب است که در عصر صفوی مصور شد. شاهنامه طهماسبی بین سال‌های ۹۳۰ تا ۹۴۴ه.ق/۱۵۳۵ م در کارگاه‌های هنری سلطنتی صفویان در تبریز استنساخ شد و یکی از هدایای بارزش فرهنگی است که از طرف دربارهای ایران به دربار عثمانی ارسال شده است. این اثر به سال ۹۷۴ه.ق/۱۵۶۶ م به مناسبت جلوس سلطان سلیم دوم از طرف شاه‌طهماسب صفوی به دربار عثمانی اهدا گردید و بیش از سه قرن در دسترس هنرمندان عثمانی بود (محمدزاده و عادل، ۱۳۹۴: ۲۷). شاهنامه شاملو، سفارش حسین‌خان شاملو حاکم هرات در سال ۱۰۰۸ قمری صورت اتمام یافته، معرفی و آن را به اسم «شاهنامه شاملو»

نامگذاری می‌کنند. در زمان صفویان و به‌ویژه شاه عباس اول صفوی بود که هنرمندان پدیدآور نسخ، واقع‌گرایی و توجه به مسائل روز را سرلوح، کار خویش قرار داده و در روند مصورسازی داستان‌ها و به‌خصوص شاهنامه ویژگی‌های فردی و ایدئولوژی شاه را مدنظر قرار می‌دادند.

۲. جامعیت نگاه اسلامی فردوسی در منطق صلح‌اندیشانه

به جایی که کاری چنین اوفتاد خرد باید و دانش و دین و داد

منطق صلح‌اندیش اسلام همواره اصل و اساس را صلح و پرهیز از جنگ و خونریزی می‌داند. نگارنده معتقد است که جنگ در منطق اسلام، حالتی اضطراری است و پس از تهاجم و تخاصم دشمن ضرورت پیدا می‌نماید و این شرایط پس از درهم شکستن و از بین بردن خصم ضرورت ندارد و این است که قرآن نیز پایان جنگ را رفع تهاجم و از بین رفتن فتنه‌ای می‌داند که دشمن آن را به‌وجود آورده‌است. آنجا که می‌فرماید: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه» (بقره ۱۹۳)؛ یعنی با نیروهای مهاجم پیکار کنید تا زمانی که بلایی که دشمن بر سر شما ریخته است، از میان برود. درواقع، منطق قرآن، جنگ با شروع‌کننده جنگ است و از بین بردن ریشه فتنه جنگ تحمیل شده بر مردم. با از بین بردن اساس فتنه وارد شده، صلح حقیقی و پایدار شکل خواهد گرفت. اسلام صلح را یک اصل زیربنایی در روابط اجتماعی می‌شناسد که همواره می‌باید کوشید که هم آن را باور داشت و هم از آن صیانت و حفاظت نمود. قرآن می‌فرماید: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله» (انفال، ۶۱)؛ یعنی اگر دشمن به صلح تمایل نشان داد، تو نیز آن را بپذیر و به خدا توکل کن.

به منطق قرآن نسبت به صلح حتماً می‌باید به شکل پازلی نگریست و الا دیدن مفهوم صلح در قرآن جامع و دارای یک نظم سیستمی نخواهد بود. گاهی تدارک و تهیه وسایل جنگی بسیار، در دشمن بازدارندگی ایجاد می‌کند: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به...» (انفال، ۶۰)؛ بسیاری از این نشان‌دادن سازوبرگ جنگی نشان دادن به دشمن را در شاهنامه مشاهده می‌کنیم که کاملاً رویکرد صلح‌گرایانه دارد.

فردوسی حکیمی اندیشمند و مسلمان است که با آگاهی از منطق اسلام در قرآن و آشنا بر مبانی صلح‌مدارانه اسلام، آمال و ارزش‌های انسانی اسلام را در آیین باورها و ارزش‌های تمدنی ایران متجلی دیده و کوشیده است از سنگ پاره‌های کوچک و بزرگ داستان‌ها و روایات کهن ایرانی، کاخی زیبا و ارزشمندی از اندیشه و حکمت بنا سازد که با سبک معماری واژگان و کلام بی‌بدیل خویش، در ضمن نقل داستان‌ها، خردمندان، پیشینه مردمانی را به تصویر کشد که با نگاه الهی و خدا جو، همواره به دور از اندیشه جهانگشایی و جنگ و خونریزی بوده‌اند، ملتی که هر کجا دشمن را فتنه‌جو یافته‌اند و جنگ‌طلب با اقتداری افتخارآمیز در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمنان این مرز و بوم ایستاده‌اند. هدف فردوسی، در طول بیان روایت جنگ‌های گوناگون، تبیین مضامین و مفاهیمی است که به نهادینه شدن نگاه صلح و دوستی در ذهن خوانندگان اشعارش می‌انجامد.

از متون نوشته شده شده پیرامون شاهنامه به یک حقیقت دست پیدا می‌کنیم: ۱. در سرزمینی که از دیرباز، پرستش خدای یگانه، در میان مردم وجود داشته است؛ ۲. از طرفی، شعار معروف آن ملت، «گفتا رنیک»، «پندار نیک» و «رفتار نیک» است، طبیعی است که نمی‌تواند چنین ملتی، جنگ‌طلب و خونریز باشد. اگر هم در مواردی برای دفاع از سرزمین، جان، مال و ناموس، درگیر جنگ شده است، هدف متوسل شدن به خونریزی و کشتار با هدف کشورگشایی و به‌دست آوردن سرزمین‌هایی که به‌دنبال مبارزه با ایرانیان نبوده‌اند، نیست.

نکته قابل تأمل این است که فردوسی در داستان‌هایی که از گذشتگان نقل می‌کند، نمانده‌است بلکه می‌کوشد این داستان‌ها برای رساندن خواننده اشعارش به مفاهیم حکمی و اندرزهای صلح‌اندیشانه خویش همانند سکو و یا پلی باشد که رنگ و بوی کهنگی داستان‌ها خاطر خود و خوانندگان را نیاززد. خلاقیت و نوآوری بیان داستان‌های کهن از زبان فردوسی به نوع نقل آن‌ها و نحوه افزودن مطالب حکمی ارزشمندی است که به اصطلاح نگارنده آن داستان‌ها را با تعبیر جدید و مواعظ صلح‌اندیشانه کادو پیچ شکلی می‌نماید و چه بر دیدگاه‌های میل باطنی و ذوق فطری خود و چه بر اندرزها و وصایا و مواعظ و حکمی است که در نسخه شاهنامه منتور ابومنصوری و دیگر منابع مورد استناد وی قرار گرفته موجود بوده‌است و از زبان گروهی از پادشاهان و وزیران و موبدان و پهلوانان و دیگر بزرگان، در جای‌جای شاهنامه آمده‌است؛ مانند نصایح اردشیر به شاپور، هرمز به فرزند خود بهرام، سخنان بوزرجمهر با انوشیروان و موبدان در هفت بزم، پندنامه بوزرجمهر و امثال این‌ها که اگرچه از زبان دیگرانی غیر از خود فردوسی بر زبان رانده شده‌است؛ اما گویی همه این بیان دیدگاه‌های انسان‌دوستانه را فردوسی از دل خود برای ایجاد جامعه‌ای بر مبنای ارزش‌های انسانی و صلح و دوستی بیان می‌دارد. شاهنامه بر ارکان و پایه‌هایی استوار گردیده که همگی، جان‌مایه‌های قرآنی، سخنان نبوی، علوی و برگرفته از مکتب اهل بیت (ع) است.

۳. مضامین صلح‌اندیشی در شاهنامه با تکیه بر شاهنامه‌های مصور دوره تیموری و صفوی

فردوسی حکیم، خردمندانه و براساس «طرح جامع صلح‌اندیشانه»، شاهنامه خویش را می‌نگارد. او می‌کوشد در طول شاهنامه، منطق صلح‌اندیشی خود را با مضامینی که به صلح و دوستی می‌انجامد، بیان کند:

۱۱۱. خرد

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد ۱-۱۲-۱

فردوسی کلام خود را با خرد آغاز می‌کند و آن را برترین اندیشه معرفی می‌کند، چه آن که هر کجا خرد باشد، روح زندگی و جان هستی وجود خواهد داشت؛ بودنی که در سایه‌سار صلح، جان می‌گیرد و در کنار خرد، رشد و تعالی می‌پذیرد. او خرد را از عواملی می‌داند که با داشتن آن بدون جنگ و خونریزی، می‌توان به راحتی به سخت‌ترین و دشوارترین اهداف رسید:

شکیبایی و هوش ورای و خرد هژیر از بیابان به دام آورد ۱-۱۱۸-۵

در نگاه فردوسی، عقل، عطیه‌ای الهی است که به انسان، عزت می‌بخشد و بزرگی عطا می‌کند.

خرد، مرد را افسر ایزدی است سزاوار خلقت ننگه کن که کیست ۱۶-۱۳۹-۸

انسانی که با نگاه عظمت و بزرگی به خود و جهان بنگرد، در خود کمبود نمی‌کند که به خاطر آن، دست به جنگ و خونریزی بزند.

بدون داشتن عقل، شادی و شادمانی حاصل نخواهد شد.

خرد، چشم جان است چون بنگری تو بی چشم، شادان جهان نسپری ۳-۱۳-۱

بی‌تردید شادمانی در کنار صلح است که معنا پیدا می‌کند و الا در جنگ، شادی چیزی نخواهد بود که به دست‌آوردنی باشد. خرد همواره آرامش و راحتی به ارمغان خواهد آورد و آرامش جز با صلح، همنشین نخواهد بود:

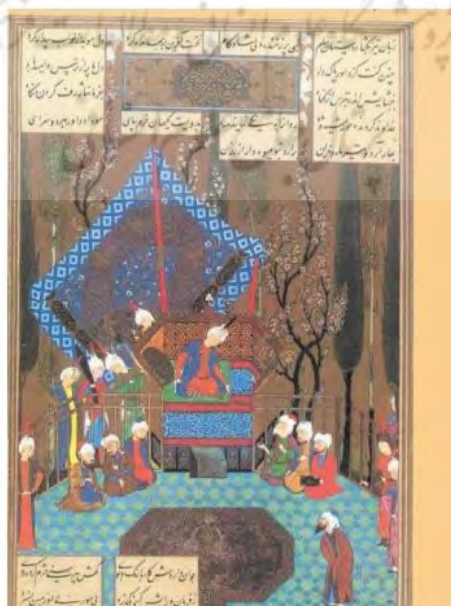
سخن چون برابر شود با خرد روان سراينده رامش برد ۲-۶-۳

یکی از مواردی که می‌توان کارهای بزرگ را به انجام و فرجام نیک رساند، بهره‌مندی از خرد است و گرنه به پایان رسانیدن کارهای بزرگ در آشوب جنگ میسر نخواهد بود:

به جایی که کاری چنین اوفتاد خرد باید و دانش و دین و داد ۳-۳۹-۳

از جایگاه بزرگی و بهره‌مندی از تخت و عزتمندی کسی برخوردار خواهد بود که خردمندانه بتواند اسباب این عظمت و شکوه‌مندی را فراهم آورد و این ممکن نخواهد شد، جز در سایه سلم و صلح‌منشی همه‌جانبه:

هر آن نامور کاو ندارد خرد ز تخت بزرگی کجا برخورد ۸-۹-۸



تصویر ۱. نگاره مشورت زال با موبدان. شاهنامه شاه طهماسبی. دوره صفوی

در تصویر فوق، به تصویرکشیدن مشورت به نوعی ترسیم‌کردن خردورزی است. خردی که می‌کوشد تا با تجمیع اندیشه‌ها بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ کند.

۲۲۲. توحید (یگانگی)

یکی از مفاهیم و مضامینی که انسان را به داشتن نگاهی صلح‌مدارانه می‌رساند، توحید و باور یگانگی خداوند است. انسان موحد، دارای روحی آرام و غرق در ایمان، اطمینان و آرامش است، آنچه او را آرام می‌کند، همین اتصال به مرکز آفرینش و خالق هستی است. چگونه مردمی را که در طول تاریخ، یگانه‌پرست و موحد بوده‌اند را می‌توان نسبت جنگ‌طلبی و خونریزی به آنان داد.

خداوند هست و خداوند نیست همه بندگانیم و ایزد یکیست ۵_۲۰۸_۴

انسان موحد از خداوند و جهانش، نظم می‌آموزد و می‌کوشد خود نیز، این نظم و قرارگرفتن هر چیز در جایگاهش را با سلم و صلح محقق سازد؛ بنابراین انسان موحد و یگانه‌پرست نمی‌تواند جنگ‌طلب باشد و به دنبال بی‌نظمی و آشوب.

جز او را میدان کردگار جهان جز او را ندان آشکار و نهان ۳_۱۰۷_۱۲ و ۱۳
بر آن آفرین کاو جهان آفرید ابا آشکارا نهان آفرید

انسان موحد دارای روحیه سلام و صلح با خالق و مخلوق است:

اعتراف به وحدانیت و یگانگی خداوند که در سراسر شاهنامه موج می‌زند، تأثیر موسیقی و لحن حماسی کلام فردوسی را به ذره‌ذره وجود خواننده اش منتقل می‌سازد.

به هستیش باید که خستو شوی ز گفتار بیکار یکسو شوی ۲_۱۳_۱۴_۲۲۲_۵

فردوسی به خوانندگانش توصیه می‌کند که در همه‌جا به خداوند پناه ببرند و از او هدایت و راهنمایی بخواهند. انسانی که خداوند را پناه و تکیه‌گاه خود بداند و به آن ایمان داشته باشد، راهی جز نیکی برنخواهد گزید، راهی که در آن نیکی باشد، بی‌تردید راه ستیز و جنگ نخواهد بود:

به یزدان پناه و به یزدان گرای که او یست بر نیک و بد رهنمای ۴_۲۲۲_۵

از دیگر سو، انسانی که مبنای همه کارها را اراده خداوند می‌داند و او را ابتدا و انتهای امور هستی می‌داند، بی‌تردید دارای نگاهی الهی خواهد بود و صلح‌گر

همه فر و فیروزی از فر تست از آخر تویی هم تو بودی نخست ۲_۱۴۳_۵

۳۳۳. عدل و داد (عدالت)

از دیگر مضامینی که فردوسی در شاهنامه به آن زیاد توجه کرده است؛ دادگری است. دعوت به دادگری دعوت به صلح‌اندیشی و صلح‌پیشگی است؛ چگونه امکان دارد در منطق دادگری فردوسی، تعدی و ددمنشی، جنگ و خونریزی و روحیه تجاوز و چپاول جای داشته باشد. دعوت به دادگری، دعوت به صلح‌اندیشی است. در اندیشه انسان دادگر، نمی‌تواند منطق صلح و دوستی حاکم نباشد، دادگری، رعایت حدود همه‌چیز و همه‌کس است و این نگاه، تنها در کنار اندیشه صلح‌مدار، تحقق می‌یابد.

به هر کار با هر کسی داد کن ز یزدان نیکی دهش یاد کن ۲۱_۹۳_۵

پند و نصیحت پادشاهان، دادگری است، آیا چنین توصیه‌هایی به عدالت رفتارکردن با جنگ و خونریزی می‌تواند تناسبی داشته باشد؟ فردوسی از زبان کاوه آهنگر، روش و منش صلح‌اندیشی خود را به خواننده القاء می‌کند.

چون اندرز کیخسرو آرم به یاد تو بشنو نگر، سر نیچی ز داد ۱۷_۱۰_۶

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه بر او انجمن گشت بازارگاه

همی بر خروشید و فریاد خواند جهان را سراسر سوی داد خواند ۶_۵_۶۴_۲

در نگاه صلح‌اندیش فردوسی، شاهان هم به عدالت و عدالتگری راهنمایی و توصیه می‌شوند؛ چراکه آنچه برای فردوسی مهم می‌نماید، رعایت حدود و خطوط عدالت است. عدالت، قراردادن هر چیز در جایگاه خود است و جنگ و خونریزی با عدالت چگونه در یک قاموس اندیشه‌ای می‌تواند قرار گیرد؟

یکی پاک دستور پیشش به پای به داد و به دین شاه را رهنمای ۱۵_۲۵_۱

بیاراست روی زمین را به داد پرداخت از آن تاج بر سر نهاد ۴_۲۶_۱

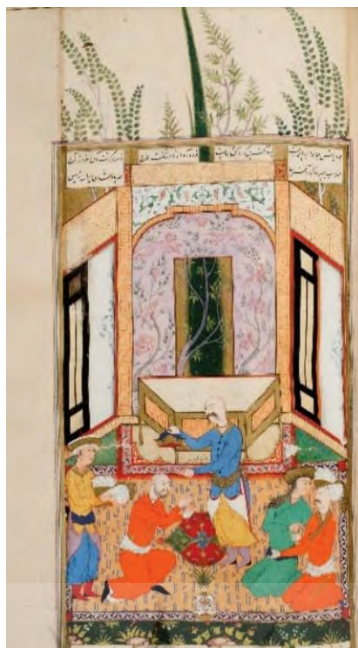
به ایران همه خوبی از داد اوست کجا هست مردم همه یاد او است ۴_۲۶_۱

عدالت و دادگری در نگاه فردوسی مبنایی برای آبادی جهان است نه جنگ، نابودی و ویرانگری. شادی، مطالبه اندیشه صلح‌گرای فردوسی است که تنها با دادگری و داشت عدالت محقق می‌شود؛ عدالتی که حتی داشتن کینه از دیگران نمی‌تواند مانع تحقق آن باشد:

جهان گردد آباد بر داد او بر اویست ایران و بنیاد او ۱۱_۸_۲

بسازید و از داد باشید شاد تن آسان و از کین مگیرید یاد ۶_۳۱۸_۵

همان به که با کینه داد آوریم به کام اندرون نام یاد آوریم ۲_۹_۶



تصویر ۲. دادن کیخسرو تاج پادشاهی به لهراسب. شاهنامه شاملو. محل نگهداری: کاخ موزه نیاوران.

این رویکرد کیخسرو در شاهنامه هنر فردوسی در ترسیم متوسل‌شدن شاهان به جلوگیری از خونریزی و جنگ و حرکت در راستای صلح است.

۴۴۴. صبر (بردباری، شکیبایی) مدارا، آهستگی

بردباری، شکیبایی و مدارا دارای درون‌مایه صلح و سلم است. انسان صبور می‌کوشد تا بی‌پروا سخن نگوید و بی‌محابا دست به رفتاری که به جدا، ستیز، جنگ و خونریزی می‌انجامد، نزند. با بردباری و شکیبایی می‌توان سنجیده‌تر عمل نمود. صبر مرکب رهواری است که در بلاها و سختی‌ها می‌توان بر آن نشست و به هدف رسید.

که دانا به هر کار سازد درنگ سر اندر نیارد به پیکار و ننگ ۵-۱۱۱-۶

سر مردمی بردباری بود سبکسر همیشه به خواری بود ۸-۹-۵۸

ستون خرد بردباری بود چو تندى کنى تن به خواری بود ۸-۳۰-۶

فردوسی در ابیات بالا بردباری و شکیبایی را ستون محکم عقل، عنوان می‌دارد، و از دیگر سو، صبوری و مدارا کردن را از جهت درجه اعتبار با خردمندی هم‌پایه می‌داند. شکیبایی از استوانه‌های صلح و دوستی است. مردمی که از مهارت و ویژگی صبر برخوردار نیستند، بر سر هر عاملی با یکدیگر درگیر می‌شوند:

مدارا خرد را برابر بود خرد بر سر دانش افسر بود ۸-۶-۹

به هر کار بهتر درنگ از شتاب بمان تا برآید بلند آفتاب ۳-۱۲۷-۱۷

بردباری و شکیبایی موجب آرامش و در نهایت، رفتار و گفتار سنجیده می‌شود. بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها نتیجه نداشتن صبر و بردباری فرمانروایان و پادشاهان، در برابر حوادث و اتفاقات گوناگون است.

چونیکی کنش باشی و بردبار نباشی به چشم خردمند خوار ۱۱_۶_۸

شکیبایی از مهر نامی تر است سبکسر بود هر که او کهتر است ۹_۱۰۵_۷

انسان خردمند، صبور و شکیباست و در برابر هر مشکل و اختلافی با مردمان سرزمین خود و دیگر ملت‌ها دست به خشونت، جنگ و خونریزی نمی‌زند و از آنجا که بردباری و شکیبایی نتیجه هوشمندی و خردورزی است. انسان صبور با تدبیر و مدارا مشکل خود را با توسل به صلح و دوستی حل می‌کند نه با کشتار و خونریزی.

شکیبایی و هوش و رای و خرد هژیر از بیابان به دام آورد ۵_۱۱۸_۱

ستون بزرگیست آهستگی همان بخشش و راد و شایستگی ۱۳_۳۱۶_۸

در تصویر شماره ۳ اسکندر می‌کوشد تا با اتخاذ رویکردی تدافعی و اتخاذ بر خرد خود از ناآرامی در قلمرو خود جلوگیری کند.



تصویر ۳. سد بستن اسکندر بر یاجوج و ماجوج، منسوب به علی اصغر. شاهنامه اسماعیل دوم.

۵۵۵. دانش (علم، حکمت)

انسان دانا و بهره‌مند از علم و دانش قبل از پرداختن به هر کار ابتدا عواقب امور را بررسی کرده، آنگاه با درایت و هوشمندی دست به انجام کارها می‌زند. انسان دانا می‌داند که امور در کنار آرامش صلح و دوستی بهتر انجام خواهد گرفت:

براندیشد آن کس که دانا بود به کاری که بر وی توانا بود ۶_۱۵۵_۶

توانا بود هر که دانا بود زدانش دل پیر برنا بود ۱_۱۳_۱

تو را دین و دانش رهند نخست در رستگاری ببايد بجست ۵_۱۷_۱

نرفتم به گفتار تو هوشمند ز کم دانشی بر من آمد گزند ۶_۸۸_۲

نداشتن علم و دانش مسبب آسیب‌دیدن‌ها و پرداختن به جنگ‌هاست. انسان اندیشمند و دانا با هوشمندی و خردورزی ابتدا به پایان کار می‌اندیشد و بیهوده خود را در مسیر فتنه و آشوب‌ها قرار نمی‌دهد.

به جایی که کاری چنین اوفتاد خرد باید و دانش و دین و داد ۳_۳۹_۳

کنون آمدم تا چه فرمان دهی روانت زدانش مبادا تهی ۱۲_۲۰۵_۲

در تصویر شماره ۴ می‌توان تجسم دانش و حکمت را در توجه به بازی شطرنج مشاهده کرد.



تصویر ۴. نگاره بازی شطرنج بوذرجمهر در محضر انوشروان. شاهنامه بایسنقری. دوره تیموری

۶۶۶. بخشش و سخاوت

بخشش و داشتن روح سخاوت از جمله مفاهیم و مضامینی است که می‌تواند درون‌مایه صلح و دوستی داشته باشد. به هنگام ایجاد ناراحتی و یا سوءتفاهم میان دوستان و اقوام، بخشش و فرستادن هدیه و تحفه می‌تواند در ایجاد صلح و دوستی مؤثر باشد. فردوسی حتی پادشاهی را به توانگری می‌داند، آنجاکه می‌گوید:

در بخشش و دادن آمد پدید ببخشید دانا چنان چون سزید ۵_۱۵_۱
 ز داد و دهش هیچ ماسای نیز که از داد باشی به گیتی عزیز ۵_۷۵_۲
 سوی زال کرد آنگهی سام روی که داد و دهش گیر و آرام جوی ۲_۱۵۳_۱

هنگامی که نگاه تمدنی قومی به افق صلح و دوستی متوجه گردید، راه‌های رسیدن به این نهایت خوشایند، انسان را به بخشش و دهش رهنمون خواهد کرد.

ز خورد و ز بخشش میاسای هیچ همه دانش و داد دادن بسیج ۳_۱۵۴_۱
 به خوشی بناز و به خوبی ببخش مکن روز را بر دل خویش ریش ۱۵_۲۴۹_۳

۷۷۷. ترس از خدا

ترس از خدا در اندیشه صلح‌مدار فردوسی عامل بازدارنده از بدی و کشاننده به خوبی‌هاست. انسانی که به‌دنبال بدی نیست، بی‌تردید دارای روح سلم و صلح است. انسان خدا ترس، زیان و بدی‌اش به کسی نمی‌رسد و از دیدگاه فردوسی، راه رستگاری همین است و بس:

بترس از جهاندار یزدان پاک خرد را مکن بادل اندر مغاک ۶_۳۰۱_۶
 بترس از خدا و میازار کس ره رستگاری همین است و بس ۱۱_۲۰۲_۳
 هر آنکه کت آید به بد دسترس ز یزدان بترس و مکن بد به کس ۲_۲۴۲_۲

خدا ترسی عامل بازدارنده از پرداختن به جنگ و خونریزی برای کشورگشایی و به‌دست آوردن قدرت و ظلم به دیگران است. انسانی که تنها ترسش از یزدان پاک است، به‌دنبال حاکمیت صلح است و خود نیز جز به صلح نمی‌اندیشد؛ چراکه تنها محور قدرت تأثیرگذار بر هستی را فقط خدا می‌داند.

بترس از خدای جهان آفرین که تخت آفریده است و تاج و نگین ۱۹_۳۵۹_۹
 ز یزدان بترس و ز ما شرم دار نگه کن بدین گردش روزگار ۳_۳۵۰_۶
 سرم گشت سیر و دلم کرد بس جز از پاک یزدان نترسم ز کس ۹_۲۰۴_۴

۸. نیکی (خوبی، نام نیک)

یکی از مفاهیمی که صلح و سلم به‌دنبال خواهد داشت، نیکی‌کردن و کار نیک است؛ انسانی که در نگاه او نیکی‌کردن ارزش است، نمی‌تواند به‌دنبال بدترین بدی‌ها که جنگ و خونریزی است، باشد.

چو نیکی کنی نیکی آید برت بدی را باشد اندر خورت ۴_۴۲_۵

سخن گفتن نغز و کردار نیک نگردد کهن تا جهان است ریک ۸_۱۹۴_۸

برای اندیشه فردوسی، نیکی بهترین یادگاری است که انسان می‌تواند از جهان داشته باشد؛ چگونه چنین دیدگاهی می‌تواند با روایت خشنی از حقیقت زندگی داشته باشد؟ خشونت و جنگ در منطق انسانی نیک که حتی برایش ماندن نام نیک هم، ارزش بزرگ دیگری است، جایی داشته باشد؟ رستم فردوسی فقط برای ثبات صلح و دوستی می‌جنگد تا جهانی بیافریند که جز نیکی و نام نیک از آن نمی‌توان انتظار داشت.

به نام نکو گر بمیرم رواست مرا نام باید که تن مرگ راست ۴_۲۴۱_۵

اگر توشه‌مان نیک‌نامی بود روان‌ها بر آن سر گرامی بود ۱_۲۲۲_۱۰

در تصویر شماره ۵ رستم در حال نبر با خاقان چین و در تلاش برای تثبیت آرامش در مرزهای ایران و بقای ثبات و صلح است.



تصویر ۵. نگاره نبرد رستم با خاقان چین. شاهنامه بایسنقری. مکتب هرات. دوره تیموری

۹۹۹. بی‌آزاری (نیازردن)

بی‌تردید انسانی که در پی رنجاندن دیگری یا دیگران نباشد، صلح‌اندیش و صلح‌مدار خواهد بود؛ چنین فردی نه برای به‌دست‌آوردن سرزمین‌های دیگر و حکومت و سلطه بر دیگران حاضر است به‌دنبال جنگ و خونریزی باشد و نه حتی حاضر است کوچک‌ترین اذیت و آزاری از سوی او به دیگران برسد؛ فرق است میان شمشیری که برای آزار و اذیت، جنگ و خونریزی با هدف کشورگشایی و فتح سرزمین‌ها بالا می‌رود و بین شمشیری که با استدلال کم‌آزاری و تنها به‌منظور حاکمیت‌بخشی به صلح پایدار بر سر زورگویان و ظالمان زده می‌شود.

میازار کس را که آزاد مرد سر اندر نیارد به آزار و درد ۱۴_۲۷۲_۶

کم آزار باشید و هم کم زیان بدی را مبندید هرگز میان ۴_۳۴۲_۸

دنیای شاهنامه، انعکاس اندیشه و مکتب تربیتی صلح‌اندیشی فردوسی است؛ مبانی اندیشه حاکم بر آن، سودمندی و مفیدبودن است و هرگز به جز نگاه سودمندی، که در کنار فرهنگ صلح‌مدار فردوسی حاصل می‌شود به‌دست نمی‌آید. تصویر شماره ۶ نیز یکی از شخصیت‌های دوست‌داشتنی شاهنامه و نماد بی‌آزار بودن دیده می‌شود.



تصویر ۶. نگاره گذر سیاوش از آتش. شاهنامه شاملو. محل نگهداری: کاخ موزه نیاوران

۰۰۰۰۰ . راستی (درستی، صداقت)

فردوسی، ثبات، امنیت و صلح پایدار در کشور را منوط به راستی و درستی می‌داند. از دیگر سو، حکومت و حاکمیت اگر خواستار صلح و دوستی میان ارکان جامعه است، می‌باید، خود با تمام امکانات و همه‌جانبه، پاسدار راستی و درستی باشد؛ چراکه براساس منطق فردوسی، راستی پیشگی، ضامن دورماندن از همه آفات و نواقص از جمله جنگ و دشمنی است.

به هر کار در، پیشه کن راستی چو خواهی که نگزایدت کاستی ۱۴_۲۱۱_۲

فریدون به داد و به تخت و کلاه همی داشتی راستی را نگاه ۷_۱۶۴_۳



تصویر ۷. نگاره دربار فریدون. شاهنامه شاه‌طهماسبی. مکتب تبریز دوم. دوره صفوی

راستی ویژگی انسان وارسته و حافظ انسانیت، صلح و دوستی است. «راه کژ»، نهایتش به جنگ و خشونت منتهی خواهد شد. راستی از مسیر دانش و فرهیختگی می‌گذرد و نتیجه دانایی است و انسان دانا و خردمند با توسل به اندیشه از جنگ و ستیز، خشونت و جنگ گریزان است.

همه مردمی باید و راستی ز کژی بود کمی و کاستی ۴_۲۳۲_۴

در دانش و آنگهی راستی کز این در نیایی روان کاستی ۱۰_۸۶_۵

بزرگ آن کسی کاو به گفتار راست زبان را بیاراست و کژی نخواست ۵_۲۹_۸

نتیجه‌گیری

شاهنامه سند هویت فرهنگ ملی ما ایرانیان است. نگارنده با بررسی ابیات شاهنامه و دیگر اسناد به این نتیجه رسیده‌است که فردوسی هدفمند و با داشتن طرحی از پیش تعیین‌شده از ابتدا تا پایان این کتاب سترگ ضمن روایت داستان‌ها و افسانه‌های کهن قوم ایرانی، خردمندانانه کوشیده‌است، در ذهن خواننده اشعار خود، مردمان سرزمینش را در طی فرازوفرودهای تاریخی و آرمان‌های متعالی اسطوره‌ای، چه آن‌گونه که بوده و چه آن چیزی که آرزوی رسیدن به آن را داشته‌است، مردمانی صلح‌طلب به تصویر بکشاند. فردوسی برای به تصویر کشیدن نگاه صلح‌اندیش ایرانیان، از مضامینی بهره‌جسته‌است که تحلیل و ارتباط آن را فردوسی بر دوش اندیشه و خرد خواننده اشعارش گذاشته تا او خود به طریق اندیشیدن ره به رمزها و حقایق اشعار برده و از لذت خواندن و درک آن، حظی حقیقی، حاصل نماید. با دقت بر مضامین صلح‌اندیشی که چند نمونه از آن در پژوهش فوق آورده شده‌است، می‌توان به منطبق صلح و دوستی حاکم بر شاهنامه، دست پیدا کرد. این مقاله نگاهی جدید را در نوع پژوهش‌های دیگر، در مورد پرداختن به صلح در شاهنامه، به‌وجود خواهد آورد و از دیگر سو، برچسب خشونت را از این کتاب خواهد سترد. با در نظر داشتن کثرت مضامین و مفاهیم صلح‌اندیشانه و به دنبال آن، بالارفتن بسامد مفهوم صلح در شاهنامه می‌توان با توجه به الگو قراردادن منطق صلح‌گرایی فردوسی، اعتماد جهانیان را برای خوانش بیشتر این اثر بزرگ، جلب کرد تا بیش از گذشته، نسبت به فرهنگ گفتمانی صلح‌اندیش ایرانیان علاقمندی و در نهایت، شناخت پیدا کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بوتول، گاستون. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی صلح. ترجمه: هوشنگ فرخجسته، تهران: شیفته.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۷). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم) ویراسته یکتایون مزدپور، چاپ هفتم، تهران: آگه.
- ریر، دون بیٹی. (۱۳۸۰). شکیبایی سرآغاز صلح. ترجمه: علی اکبر مرعشی، حسین موسویان، تهران: مرکز منابع تربیت معلم.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۲). گل رنج‌های کهن. به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر مرکز.
- شیخ برادران، معصومه. (۱۳۸۰). به سوی آبی دل‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۷). حماسه‌سرایی در ایران از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری. چاپ چهارم، تهران: فردوسی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه. به کوشش دکتر حمید سعیدیان (۹ جلد) براساس چاپ مسکو، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- فردوسی، شاهنامه. (۱۳۸۶). تصحیح جلال خالقی مطلق. (۸ جلد)، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۰). رویا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی سروش.

مقالات

- احمدی توانا، اکرم؛ الماسی، فتانه. (۱۴۰۱). «مسئله جانشینی در شاهنامه‌های مصور سه شاهزاده تیموری (شاهنامه بایسنقری، ابراهیم سلطان و محمد جودکی)». دوره ۱۲، شماره ۲۴، ۴۷-۶۱.
- بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «ایرانشناسی: صلح، مدارا و همزیستی در اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی»، حافظ، ش ۴۸، ۳۰.
- رجبی نیازآبادی، الهام؛ فرخ‌پور، فرزانه و اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۹۸). «پیوند و گسست متن و نگاره در شاهنامه بایسنقری». جستارهای نوین ادبی، دوره ۵۲، شماره ۱ (۲۰۴)، ۹۵-۱۲۵.
- حمیدی، بهمن. (۱۳۷۳). تأملی بر خان چهارم». چیستا، اردیبهشت و خرداد، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، ۶۹۵-۶۸۸.
- محمدزاده، مهدی؛ عادل، ظاهر. (۱۳۹۴). «تأثیر شاهنامه طهماسبی در سنت شاهنامه‌نگاری عثمانی». نگره، دوره ۱۰، شماره ۳۴، ۳۷-۲.